

شناخت آلات موسیقی اصیل افغانستان

بخش آخرین

موسیقی با رگ و پود هستی آمیزش یافته و هرگز نمی‌توان آن را از جسم و جان موجودات عالم بویژه انسان جدا کرد. نغمه‌آبشاران، نجوای پنهان و آشکار طبیعت، نوای دلنشین پرندگان و آواز مستانه ساز نوازندگان در ژرفای دل آدم نفوذ می‌کنند و به انسان شور، تپش، انرژی اسرارآمیز حیات و دل‌زندگی جاودانه می‌بخشند. کسانی که موسیقی را درک و احساس کرده نمی‌توانند صخره‌سنگ‌هایی را مانند که از ظرافت‌ها و نازکی‌های عاطفه و احساس زندگان بی‌بهره اند. افراطیون کوردل و ظالم هرچند تلاش می‌ورزند تا موسیقی را از فرهنگ و مدنیت ما دور کنند؛ اما هرگز موفق نمی‌شوند؛ زیرا انسان به دون احساس، عاطفه و ذوق هنری جسم مرده و بری از تپندگی و تر و تازگی خواهد بود.

در خراسان‌زمین (افغانستان کنونی) موسیقی با تاریخ، فرهنگ و تمدن ما چونان آمیزش یافته که به روح زنده، بالنده و مستانه زندگی تبدیل شده و در تمام عرصه‌های حیات نفوذ کرده است. در درازنای تاریخ در این قلمرو کهن آلات موسیقی بسیار متنوعی ساخته شده است که استادان فن آن‌ها را در بزم‌های شاهانه، حلقه‌های عارفانه و مجالس مردمی می‌نواختند. در سده‌های اخیر خاصه در قرن جاری به سبب فرهنگ ستیزی، تعصب و نا آگاهی حاکمان وقت بسیاری از ارزش‌های فرهنگی، تمدنی و هنری ما در لابلای گرد و غبار فراموشی دفن شده و یا همسایگان ما آن‌ها را در لیست میراث تاریخی، فرهنگی و هنری خویش ثبت کرده اند.

افغانستان کنونی به مثابه قلب مرکزی خراسان بزرگ در درازنای تاریخ همواره خاستگاه و پرورشگاه موسیقی و ساخت آلات موسیقی بوده است؛ اما در معرفی آن پژوهشگران و قلمبستان ما کار لازم علمی و تحقیقاتی نکرده اند. با درک این ضعف و خالیگاه با وجود مصروفیت‌های مطالعاتی، پژوهشی و فرهنگی‌ام، تلاش ورزیدم تا در معرفی آلات موسیقی اصیل این قلمرو گامی ابتدایی بردارم تا سپس اشخاص مسلکی و کارشناسان موسیقی کشور آن را به مرحله کمال برسانند. پیش از همه از کم و کاستی‌های این نبشته پوزش می‌خواهم. در زیر آلات موسیقی معرفی شده است.

دف

دف یکی از قدیمی‌ترین سازهای ضربه‌یی است که متعلق به فرهنگ یا مکان خاص نیست؛ ولی بر طبق روایات از روزگاران کهن، آریایی‌ها مراسم جشن نوروز و تحویل سال را با نواختن دف برگزار می‌کردند. همین‌گونه نقش‌های تراشیده‌یی از نوازندگان دف را در آثار و آبدات باستانی سرزمین آریایی‌ها مشاهده می‌نماییم. در اشعار کلاسیک زبان فارسی از این ساز، گاهی در بزم و سرور و زمانی در موسیقی و سماع عارفانه تذکر رفته است و دیوان‌های شاعران پارسی‌گو پر از

دف و نای و چنگ و چغانه است.

دف در موسیقی افغانستان، ایران و آسیای میانه که در روزگار قدیم جزء قلمرو خراسان بزرگ بودند تا هنوز جایگاه خود را حفظ کرده است. در حال حاضر دف‌نوازان خوبی در این کشورها وجود دارند که میراث دف‌نوازی را در خراسان تجزیه شده، زنده و پاینده نگه می‌دارند. از دف به صورت تکنوازی و نواختن در دسته‌های موسیقی محلی و کلاسیک استفاده می‌شود.



تاج محمد سرپلی دف نواز

کوس

کوس یکی از سازهای عمده نظامی آریایی‌های باستان بوده است. واژه کوس به معنی فرو کوفتن است و در زبان فارسی به صورت مصدر هم به کار برده شده است؛ کوستن به معنی کوفتن و زدن است. در کتاب‌های لغت آن را به طور اجمال به دهل و طبل و نقاره بزرگ تعریف کرده‌اند؛ ولی تفاوتش با سازهای دیگر ضربی این بوده که بدنه آن به شکل کاسه و یا نیم کاسه بوده است. این آلت ضربی عظیم را معمولاً روی شتر یا فیل می‌بستند و می‌نواختند. کوس بزرگترین ساز از خانواده آلات موسیقی کوبه‌ای است که در ساختمان آن پوست به کار رفته است. این ساز تشکیل می‌شود از کاسه‌ای بزرگ از روی و مس که بر دهانه آن پوست خام گاومیش یا گاو برکشیده‌اند.

در اعصار مختلف و مواضع گوناگون کوس از لحاظ جنس کاسه و پوست و کوبه تغییر کرده است؛ ولی در همه حال ساختمان ظاهری آن یکسان مانده است. گاه کاسه آن را از روی ساخته و آن را کوس روبین نام نهاده‌اند و گاهی کاسه را از طلا ساخته و در بارگاه سلاطین نواخته‌اند و نامش را کوس زرین نام نهاده‌اند. در میان آلات موسیقی رزمی این ساز اعتبار و حرمت بیشتری داشته است. چنان که پیداست هر فرماندهی و یا هر امیری حق داشتن کوس و نواختن آن را در محیط فرماندهی و یا سرپرده خویش نداشته است.

برخی از شعرا از جمله فردوسی کوس را به صورت کوست به کار برده‌اند.

دلیران نترسند ز آواز کوست که آنجا دوچوب است و یک پاره پوست

طبله (یا جوره‌یی)

تبله ساز کوبه‌ای (ضربی) است که سال‌ها پیش به افغانستان آورده شده است. از نظر مکتب دهلی از واژه طبله یا تبله، دُهل دو سره استنباط شده که قبلاً آن را پخاوج (میردنگ) می‌گفتند. طبله از دو واحد استوانه‌یی تشکیل شده که قسمت بزرگ آن را بَم و کوچک آن را زیل یا کاتی می‌نامند. حالا تبله در دسته‌های موسیقی در افغانستان، هندوستان و پاکستان بیشتر استفاده می‌شود.



در موسیقی سنتی خراسان زمین (افغانستان کنونی) پیش از ورود طبله از زیربغلی و تنبک استفاده می‌شد و آن دوساز کوبه‌ای آلات موسیقی تاردار و بادی را همراهی می‌کردند. همچنان استفاده از دهل و نقاره نیز در خراسان بزرگ از روزگاران قدیم رواج داشته است. نقاره نیز مانند طبله دارای دو تکه است که یکی بَم و دیگری زیل می‌باشد و با طبله جوره‌یی شباهت دارد. از طبله نوازان مشهور کشور می‌توان از شادروان استاد محمد هاشم، چاچا محمود، استاد آصف و ولی محمد نام گرفت.



هارمونی

هارمونی

این آله موسیقی در اصل یک ساز غربی است که هندی‌ها در آن تغییراتی به وجود آورده و آن را هارمونی نامیدند. هارمونی از هند به افغانستان آمده و با سازهای سنتی اصیل کشور و موسیقی کلاسیک ما همدم و هم‌نوا شده است. هارمونی ساز بادی است که لوله‌های صوتی مشابه با پیانو دارد. با دمیدن هوا به وسیله پکه دستی آن و وارد کردن فشار بر روی دکمه‌های آن آواز بدر می‌آید. این ساز به طور نشسته و ایستاده نواخته می‌شود؛ اما ساز اکاردیون را فقط ایستاده می‌نوازند. هارمونی در موسیقی کلاسیک هندوستان، افغانستان و پاکستان استفاده می‌شود.

رسول پویان
میزان 1392 خورشیدی

منابع:

- 0 سایت جوانان افغانستان
- 0 ستایشگر، مهدی، واژه نامه موسیقی ایران زمین جلد اول، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۱
- 0 زین‌الدین محمود و اصفی، بدایع‌الوقایع، چاپ ایران
- 0 موسیقی اصیل بدخشان، هرات، بادغیس و تخار، به کوشش وحید قاسمی
- 0 صد سال تار، انتشارات ماهور
- 0 سازشناسی، نوشته پرویز منصوری
- 0 رادیو آزادی
- 0 ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد

Resources:

- <http://tarikhema.ir>
- <http://www.farabisoft.com>
- www.persianblog.ir

- <http://upload.wikimedia.org>
- <http://commons.wikimedia.org>
- www.g-hunar.blogspot.com.au/2013/04/blog-post_30.html
- <http://www.nilecommerce.net>
- <http://upload.wikimedia.org/wikipedia/fa/2/28/TombakImage.JPG>
- <http://fa.wikipedia.org>
- <http://sevemis.blogfa.com>
- <http://haftkhan.com>
- <http://www.eirani.com>
- <http://taropoud.mihanblog.com>
- <http://www.forum.nazicenter.com>
- <http://www.encyclopaediaislamica.com/index.php>

پایان